

نیازسنجی رؤوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی: زمینه‌ای برای بهبود و تقویت نظریه‌پردازی بر اساس مبانی دینی*

زهرا حجازی¹

مقصود امین خندقی²

سیدجواد قندیلی³

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، نیازسنجی رؤوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی برای فراهم آوردن زمینه بهبود و تقویت نظریه‌پردازی در اعضای هیئت علمی علوم انسانی بر اساس مبانی دینی بوده است. **روش:** این پژوهش از نیازسنجی با رویکرد کیفی و از ابزار مصاحبه و نمونه‌گیری گلوله برفی بهره‌مند شده است. داده‌ها به منظور شناسایی رویکرد آگاهان کلیدی به علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی و تعیین رؤوس مطالب پیشنهادی از سوی آنان بررسی و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** رویکرد اغلب آگاهان کلیدی، غرب‌گزین بود. سرفصلهایی از سوی آنان برای فراهم آوردن زمینه نظریه‌پردازی عضو هیئت علمی پیشنهاد شد که کلیه سرفصلهای به دست آمده در چهار محور دین اسلام، علم و دین، علوم انسانی و نظریه و نظریه‌پردازی تقسیم شدند. **نتیجه‌گیری:** اتخاذ چنین سرفصلهایی در این دوره‌ها می‌تواند تحولات قابل توجهی را ایجاد کند و عضو هیئت علمی شجاعت و اعتماد به نفس ایده‌پردازی در علوم انسانی را به دست می‌آورد. با عنایت به بهبود و تقویت نظریه‌پردازی بر اساس آموزه‌های دینی و نایل شدن به علوم انسانی اسلامی، مهم‌ترین دستاورد، پایان دادن به انحصارگرایی غربیان در علوم انسانی است.

واژگان کلیدی: نیازسنجی، علوم انسانی اسلامی، رویکردهای علم دینی، نظریه‌پردازی، برنامه درسی.

* برگرفته از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد و با حمایت مادی و معنوی پژوهشکده

مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

◇ دریافت مقاله: 95/03/01؛ تصویب نهایی: 95/11/23.

1. کارشناس ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه فردوسی مشهد.

2. دکترای مطالعات برنامه درسی و دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) / نشانی: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه علوم تربیتی / شماره: 05138807139

Email: aminkhandaghi@um.ac.ir

3. دکترای مطالعات برنامه درسی و استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.

الف) طرح مسئله

علوم انسانی، مطالعه و پژوهش دربارهٔ انسان و تبیین و تفسیر رفتار و نهادهای اجتماعی و چگونگی زیستن اوست. علوم انسانی به مطالعهٔ رفتارها و افعال انسانی می‌پردازد و فعالیت‌های فردی و اجتماعی انسان را تبیین و تفسیر می‌کند. علوم انسانی مأموریت دیگری به نام تغییر انسان هم دارد. این علوم، انسان مطلوب را معرفی می‌کند و سپس با توصیف انسانی تحقق یافته به دنبال تغییرش می‌رود. دین الهی نیز با معرفی انسان مطلوب و باید و نبایدهای انسانی، می‌کوشد انسانهای موجود و تحقق یافته را تغییر دهد و به سطح و حد انسان مطلوب برساند؛ انسانی که به قرب الهی برسد و به سعادت و کمال حقیقی دست یابد.

وضعیت علوم انسانی در کشور ما یکی از بحث‌های چالش برانگیز در محافل علمی است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل این علوم آن است که با نیازها و اقتضات جامعهٔ ایرانی - اسلامی هماهنگ نیستند و در میان این نیازها و اقتضات، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، ربط و نسبت این علوم با آموزه‌ها و ارزشهای اسلامی است (سوزنجی، 1388: 8). مرتبط با این موضوع، از جمله مسائل مورد بحث در جامعهٔ ایران، علوم انسانی غیر اسلامی است که به واسطهٔ شکل‌گیری نظریه‌ها در فضای خارج از کشور و عدم مطابقت علوم با نیازهای جامعه و تعارض آن با جهان‌بینی اسلامی ملل مسلمان به وجود آمده است. (مختاری و همکاران، 1390: 29)

چرا باید در یک جامعهٔ اسلامی، علوم انسانی سکولار بر دانشگاه‌های ما تحمیل شود؟ چرا با وجود اینکه دانشگاه به عنوان مرکز اصلی و اساسی تولید علم و متبلور خلاقیت و نوآوری جوانان و شایسته‌ترین سنگر پاسداری از ارزشهای جامعه شناخته شده است، باید انتقال و آموزش علوم را بر عهده داشته باشد که با فلسفه و جهان‌بینی کشور در تعارض است؟ همچنان حاکمیت تفکر ترجمه‌محور بر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش علوم انسانی مستولی است! اکثر کتب تألیفی اساتید علوم انسانی ترجمه است! (پورعزت و همکاران، 1388: 50)؛ به طوری که بسیار کمتر به طرح مواضع نظری خود بر اساس مبانی دینی پرداخته و همچنان به آموزش علم عاریت گرفتهٔ غربی می‌پردازند؛ اساتید علوم انسانی نیاموخته‌اند که چگونه دانشجویان را به شکستن باورهای پوسیدهٔ موجود ترغیب کنند. همهٔ این موارد نشان می‌دهند که همچنان علوم انسانی با دشواری‌ها و ابهاماتی روبه‌روست که پاسخی به آنها داده نشده است.

در این راستا برخی دانشگاه‌ها و مؤسسات کشور، کارگاه‌ها و دوره‌هایی را به منظور بصیرت‌افزایی و افزایش سطح بینش اساتید در حوزهٔ عقیدتی و دینی و به طور کلی آشنایی با علوم اسلامی و همچنین ارتقای معرفتی و مهارتی استادان و اعضای هیئت علمی علوم انسانی و دیگر رشته‌ها برگزار کرده‌اند (کافی، 1393). در این دوره‌ها تلاش شده است اعضای هیئت علمی دانشگاهی را با علوم اسلامی و چگونگی پاسخگویی به شبهات دینی دانشجویانشان آشنا سازند. در طرح دانش‌افزایی نیز اهدافی همچون: ارتقای مهارت‌های آموزش و پژوهشی مستمر اعضای هیئت علمی، ایجاد انگیزهٔ علمی، ارتقای روحیهٔ خودباوری و

21 ♦ نیازسنجی رئوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی ...

توانمندسازی آنها در پاسخ دادن به نیازهای اجتماعی و فرهنگی دانشجویان مدنظر بوده است (همان). نکته حایز اهمیت در این پژوهش، توجه به برنامه درسی¹ این دوره‌ها در قالب محتوای آن است. مسئله اصلی در این پژوهش، جلب توجه به ضرورت هدایت اعضای هیئت علمی دانشگاهها در حوزه علوم انسانی به سوی آمادگی نظریه‌پردازی بر پایه مبانی دینی است. فراهم‌سازی مطلوب این سازوکار و ایجاد بستر توانمندسازی اساتید، بدون توجه به مطالعات نیازسنجی² برای شناسایی و تشخیص اینکه چه محتوا، موضوعات و رئوس مطالبی³ به تناسب دیدگاه آگاهان کلیدی به علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی کنونی، قابلیت به کارگیری در این دوره‌ها را دارند تا اعضای هیئت علمی علوم انسانی را برای نظریه‌پردازی در این عرصه مجهز سازند، امکان‌پذیر نخواهد بود؛ زیرا دست‌اندرکاران و افراد متخصص در این عرصه از رویکرد خاص و مؤثری برخوردارند که بر تعیین رئوس مطالب دوره‌ها سایه افکنده و به وضعیت کنونی منجر شده است. از این رو، این پژوهش پاسخ به دو پرسش ذیل را پیگیری می‌کند: الف) رویکرد هر یک از افراد متخصص در علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی متعارف چیست؟ ب) چه رئوس مطالبی برای به کارگیری در دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی پیشنهاد می‌شود؟

بیان این موضوع حایز اهمیت است که ارزیابی مقالات، پایان‌نامه‌ها و طرحهای پژوهشی در پایگاههای متعدد علمی و پژوهشی کشور، حاکی از غفلت صورت گرفته در انجام پژوهشهایی است که بتواند ضمن اینکه به طور کلی کارایی دانش رشته برنامه درسی در طراحی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی را آشکار سازد، به نتایجی منجر شود که کمک‌رسان عضو هیئت علمی در طرح موضوع نظری خویش با عنایت به مبانی دینی باشد. گواه بر این مدعا وجود پژوهشهای مختلف درباره مباحث عمومی علوم انسانی است که صرفاً به چالشها، موانع و عوامل بازدارنده نظریه‌پردازی، تحول در علوم انسانی و وضعیت‌سنجی دوره‌های معرفت‌افزایی اساتید پرداخته‌اند. از جمله آنها می‌توان به پژوهشهای انجام شده توسط میرفردی (1394)، فضل‌الهی قمشی و همکاران (1392)، یوسف‌زاده و میرزایی رافع (1392)، صادقی و همکاران (1391)، میرزایی رافع (1390)، پورعزت و همکاران (1388)، سلیمان‌پور (1388)، پاک‌سرشت (1386) و کافی (1393) اشاره کرد. اما در ارتباط با مباحث تخصصی برنامه درسی در دوره‌های علوم انسانی اسلامی، به ندرت می‌توان به پژوهشی دست یافت.

حل این مسئله در فضای کنونی کشور منجر به آشنا شدن اعضای هیئت علمی علوم انسانی با مواضع و دیدگاههای رقیب (غرب) در خصوص نظریه‌پردازی می‌شود؛ زیرا یکی از ملزومات و مقدمات فرایند نظریه‌پردازی این است که نخست باید نظریه‌های دیگر را شناخت؛ نظریه‌های رقیب را شناسایی و نقاط ضعف

1. Curriculum
2. Needs Assessment
3. Syllabus

و قوت آنها را ارزیابی کرد و آنها را به بوته نقد کشید (مقام معظم رهبری، 1385/7/13). با قرار گرفتن اعضای هیئت علمی علوم انسانی در این مسیر، آنها هیچ نظریه غربی‌ای را بدون شناسنامه نمی‌آموزند و بستر اجتماعی و مبانی معرفتی آن نظریه را نیز قابل تأمل می‌دانند. در این صورت است که راه برای طرح نظریه‌های جدید و قابل رقابت با نظریه‌های رقیب روشن می‌شود و اعتماد به نفس آکادمیک محافل علمی علوم انسانی در کشور بهبود می‌یابد و اساتید علوم انسانی از جمود رشته‌ای و تحجر روش‌شناسانه خارج می‌شوند (دانی‌فرد، 1388: 9) و در نهایت، تلقی نسبت به علم و دانش از منظر استاد و دانشجو متفاوت می‌شود. در غیر این صورت، اعضای هیئت علمی در علوم انسانی، تفکرات سطح عالی خود را از ترجمه محض و شرح و بسط خواهند گرفت (عبوسی، 1385: 174)، خطی می‌اندیشند و شجاعت طرح ایده‌های نو را نخواهند داشت (دانی‌فرد، 1388: 6).

ب) رویکردهای علم دینی

رویکردهای متعددی در حوزه علوم انسانی اسلامی به طور خاص و علم دینی به طور عام مطرح شده است. مطالعه و بررسی این رویکردها از چند جهت حایز اهمیت است؛ از طرفی باعث می‌شود پژوهشگر بتواند رویکرد جامع‌تر را شناسایی کند و در فرایند پژوهش استفاده لازم را از آن ببرد. همچنین آگاهی نسبت به رویکردهای متعدد، در فرایند مصاحبه پژوهشگر با هر یک از آگاهان کلیدی که دارای رویکرد خاصی به علوم انسانی اسلامی یا علم دینی‌اند، روند مصاحبه و پرسشها و پاسخها را تسهیل می‌کند. در ادامه، تقسیم‌بندی‌های متعددی که از رویکردهای مختلف علم دینی ارائه شده است، توضیح و تشریح و رویکرد منتخب جهت پیگیری در فرایند پژوهش معرفی می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی، کلیه دیدگاههای موجود در حوزه علم دینی و علوم انسانی اسلامی، به دو دسته معتقدان و منکران علم دینی تقسیم‌بندی شده (خسروپناه، 1393) و ذیل هر یک، دیدگاههای متعدد قرار گرفته است. تقسیم‌بندی دیگر توسط سوزنجی (1388) انجام شده است؛ وی معتقد است در یک طبقه‌بندی منطقی می‌توان تمامی دیدگاههایی را که در صدد نوعی برقراری تلائم بین دستاوردهای تجربی بشر و آموزه‌های نقلی‌اند، در سه دسته گنجانند: 1) دیدگاههایی که اصالت را به آموزه‌های نقلی می‌دهند و سعی در تحویل یا اندراج دستاوردهای تجربی در ذیل آموزه‌های نقلی دارند؛ 2) دیدگاههایی که اصالت را به روش تجربی دستاوردهای تجربی بشری می‌دهند و سعی در تحویل و اندراج آموزه‌های نقلی در ذیل روش تجربی دارند؛ 3) دیدگاههایی که سعی در تحویل هیچ یک به دیگری ندارند، بلکه به نوعی جمع بین هر دو با توجه به تبیین جایگاه هر یک در منظومه معرفتی انسان پرداخته‌اند و سخن از ضرورت تلازم و برقراری هماهنگی بین تمامی راههای کسب معرفت به میان می‌آورند.

23 ♦ نیازسنجی رئوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی ...

بستان (1384) نیز دیدگاه‌های علم دینی را در سه بخش، شامل رویکردهای حداقلی، میانی و حداکثری جایابی کرده است. خسروپناه (1393) نیز تمامی دیدگاه‌های موجود در حوزه علم دینی و علوم انسانی اسلامی را در چهار جریان عمده قرار داده که عبارتند از: جریان غرب‌گرایی، غرب‌ستیزی، غرب‌گریزی و غرب‌گزینی. هر یک از این چهار جریان با تقریرها و تلقی‌های مختلفی به مسئله علم دینی پرداخته‌اند. با توجه به جامع‌تر بودن چهار جریان حاکم بر علم دینی،¹ همین طبقه‌بندی در این پژوهش مد نظر قرار گرفته است. در جدول 1، خصایص کلیدی هر یک از رویکردهای مذکور (چهار جریان) از منظر خسروپناه (1393) ارائه شده است. این جدول در تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده برای تعیین رویکرد آگاهان کلیدی به علوم انسانی به کار رفته است.

جدول 1: ویژگی‌های کلیدی رویکردهای چهارگانه علم دینی

ویژگی‌ها	رویکرد
<p>اهمیت قائل شدن برای تغییر و تحول در علوم انسانی و داشتن علوم انسانی اسلامی؛</p> <p>عدم نفی دستاوردهای علمی غرب؛</p> <p>عدم پذیرش مطلق علوم انسانی غربی؛</p> <p>روش و روش‌شناسی غربی؛</p> <p>توجه به مدل‌سازی غربیان جهت تولید علوم انسانی اسلامی؛</p> <p>اصلاح و تغییر پیش فرض‌های علوم انسانی؛</p> <p>نگرش انتقادی به علوم انسانی؛</p> <p>رویکرد گزینشی به علوم انسانی غربی؛</p> <p>دیدگاه‌های مطرح ذیل این رویکرد: تهذیبی - تأسیسی: العطاس، علم قدسی: سید حسین نصر، حاکمیت جهان‌بینی دینی بر دانش: مهدی گلشنی، علم دینی حداکثری: آیت‌الله جوادی آملی، علم دینی میثابی - ارزشی - اجتهادی: آیت‌الله مصباح یزدی، دانش هماهنگ با جهان‌بینی: ضیاء‌الدین سردار، دیدگاه تأسیسی علم دینی: خسرو باقری.</p>	<p>عقل‌گرایی (1)</p>
<p>اهمیت قایل شدن برای تغییر و تحول در علوم انسانی و داشتن علوم انسانی اسلامی؛</p> <p>عدم توجه به نفی یا اثبات نظریه‌های علوم انسانی غربی؛</p> <p>اثبات دستیابی به علوم انسانی اسلامی با روش دینی و اجتهادی؛</p> <p>تنظیم جامعه اسلامی بر اساس مذهب اسلامی؛</p> <p>دیدگاه‌های مطرح ذیل این رویکرد: علم دینی، زاینده جامعه دینی: شهید سید محمدباقر صدر؛ علم دینی اجتهادی عام: علی عابدی شاهرودی؛ پارادایم اجتهادی دانش دینی: حمیدرضا حسنی، مهدی علیپور.</p>	<p>عقل‌گرایی (2)</p>

1. با وجود علم به نقدهای وارد شده به طبقه‌بندی خسروپناه (1393) در خصوص رویکردهای کلان علم دینی، با توجه به جامعیت و شمول‌گرایی دیدگاه‌های مطرح شده در ذیل این رویکردها، این طبقه‌بندی انتخاب شده است. حتی با توجه به انجام مصاحبه و ارائه دیدگاه‌های مختلف از مصاحبه‌شوندگان، امکان ارائه طبقه‌بندی جدیدی با عنایت به سخنان مصاحبه‌شوندگان وجود داشت؛ که البته مستلزم انجام پژوهش مستقل و متفاوت است.

یونینیز (3)	<p>عنايت به داشتن علوم انسانی اسلامی؛</p> <p>نادرست، کفر آلود و طاغوتی بودن دستاوردهای غربیان؛</p> <p>مخالفت با علم مدرن و اکتفا به علوم نقلی - دینی؛</p> <p>مخالفت با علم مدرن و نقد علم دینی رسمی و اعتقاد به تولید علم دینی با فلسفه و علم اصول جدید؛</p> <p>طرد یکپارچه علوم انسانی غربی و شروع مجدد پرداختن و تولید علوم انسانی اسلامی؛</p> <p>عدم استفاده و به کارگیری علوم انسانی غربی؛</p> <p>دیدگاههای مطرح ذیل این رویکرد: علوم نقلی انسانی؛ میرزای اصفهانی؛ علوم انسانی ولایی؛ دفتر فرهنگستان علوم اسلامی؛ نسبی گرایی در تولید علم دینی؛ زیبا کلام.</p>
یونینیز (4)	<p>تأیید دانش غربیان؛</p> <p>عدم اعتقاد به امکان داشتن علوم انسانی اسلامی؛</p> <p>دیدگاههای مطرح ذیل این رویکرد: انکار اسلامی شدن علوم در مقام داوری؛ سروش؛ غیر علمی بودن علم بومی و نقد پیش فرضهای علمی دینی؛ ملکیان؛ علمی و تکنولوژیک بودن علوم انسانی؛ پایا.</p>

با توجه به خصایص موجود در جدول 1، بخش نخست مصاحبه‌ها (تعیین رویکرد آگاهان کلیدی) متناسب با این جدول تحلیل شد و کد موجود در جدول به آن اختصاص یافت و در نهایت بعد از اتمام این بخش از مصاحبه، رویکرد غالب افراد مشخص شد.

ج) روش پژوهش

روش انجام این پژوهش، نیازسنجی با رویکرد کیفی است که ذیل پژوهش ارزشیابانه قرار می‌گیرد (گال و مکاران، 1392: 1227). ابزار مورد استفاده در پژوهش، مصاحبه است. برای پاسخگویی به پرسش نخست پژوهش، از مصاحبه با روش هدایت کلیات¹ و برای پاسخگویی به پرسش دوم (تعیین رئوس مطالب برنامه درسی دوره‌های علوم انسانی اسلامی اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی) از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته² بهره‌گیری شده است. جامعه پژوهش، شامل کلیه متخصصان و دست‌اندرکاران حوزه علوم انسانی اسلامی در سطح دو شهر مشهد (پایتخت فرهنگی جهان اسلام) و قم (قطب تولید علمی و فرهنگی جهان اسلام) است. افراد مورد مطالعه به شیوه گلوله برفی و معرفی از طرف نفرات پیشین نمونه‌گیری شده‌اند. پژوهشگر در انتهای مصاحبه سیزدهم با اشباع نظری روبه‌رو شد؛ اما به منظور اطمینان‌بخشی، تا مصاحبه شانزدهم پیش رفت. مجموع 16 مصاحبه انجام شده که به صورت حضوری انجام گرفت، شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد (هشت نفر)؛ هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (یک

1. The General Interview Guide Approach
2. Semi-Structured Interview

25 ♦ نیازسنجی رئوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی ...

نفر)، هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (سه نفر)؛ هیئت علمی مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی (یک نفر)، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی (یک نفر)؛ مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام (طراحی سیستم‌های دینی) (یک نفر)، هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (یک نفر) و در سطح استاد (یک نفر)، دانشیار (چهار تن) و استادیار (10 نفر) با رشته‌های تحصیلی علوم تربیتی، روان‌شناسی، فقه و مبانی حقوق اسلامی، فلسفه و حکمت اسلامی، تاریخ، فلسفه و کلام، فقه و مبانی اجتهاد بوده است.

برای تحلیل مصاحبه با روش هدایت کلیات، از روش تحلیل تفسیری و برای تحلیل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از روش تحلیل ساختاری¹ (سازه) استفاده شد. در این پژوهش برای تأمین اعتبار داده‌ها، معیارهای چهارگانه گابا و لینکلن² (1994) به کار گرفته شده است. این صاحب‌نظران در این رابطه با عنوان قابلیت اعتماد از رعایت چهار معیار، شامل باورپذیری³، انتقال‌پذیری⁴، اطمینان‌پذیری⁵ و تأییدپذیری⁶ در پژوهش‌های کیفی نام می‌برند (شنتون، 2004: 64). در این پژوهش در ارتباط با معیار باورپذیری، از روش «بررسی مشارکت کنندگان»⁸ (کرسول و میلر، 2000) استفاده شد. پس از انجام هر مصاحبه و مکتوب کردن متن آن، با فرد مصاحبه‌شونده از طریق پست الکترونیکی ارتباط برقرار شد و متن مصاحبه در اختیار وی قرار داده شد تا از صحت برداشتهای مصاحبه‌کننده توسط بازخورد مصاحبه‌شونده در این زمینه اطمینان حاصل شود. نتایج حاکی از صحت روند کدگذاری پژوهشگر و نیز عدم سوگیری در تحلیل‌های ابتدایی بود. در ارتباط با معیار دوم با عنوان «انتقال‌پذیری»، همان‌طور که بیان شد با روش نمونه‌گیری گلوله برفی ابتدا با فردی که به عنوان هسته شناخته می‌شود، مصاحبه انجام شد و سپس از طریق وی با سایر مصاحبه‌شوندگان ارتباط برقرار کرده، انجام مصاحبه‌ها ادامه می‌یافت. همچنین ارائه توصیف روشی از بستر، نحوه انتخاب مشارکت کنندگان و فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده، بخشی از معیار انتقال‌پذیری است. به اعتقاد گابا و لینکلن (1994) یک آزمون تشخیص⁹ می‌تواند منجر به تحقق معیارهای اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری به صورت همزمان شود. بر این اساس، 25 درصد از مصاحبه‌های خام به همراه کدگذاری آن در اختیار کدگذار دوم و آشنا به موضوع پژوهش قرار گرفت و ایشان به بررسی محتوا و صحت فرایند کدگذاری پرداختند. همچنین مطالعه پیشینه موضوع، بررسی مقالات، کتب و پایان‌نامه‌های مرتبط با ابزار مصاحبه و استفاده از تجارب عملی دانشجویان یا دانش‌آموختگان بهره‌مند از ابزار مصاحبه، برای یافتن درکی روشن

1. Structural Analysis
2. Guba & Lincoln
3. Credibility
4. Transferability
5. Dependability
6. Confirmability
7. Shenton
8. Member Check
9. Auditing

از ابزار مصاحبه و نحوه برقراری ارتباط و در ادامه چندین مصاحبه پایلوت با یک تن از دانشجویان برنامه‌ریزی درسی و دکتری تعلیم و تربیت اسلامی و استاد راهنمای پایان‌نامه نیز برای کسب آمادگی‌های لازم در حین مصاحبه، انجام گرفت که تمامی این موارد موجب بالا رفتن کیفیت پژوهش می‌شود و نشان از قابل اعتماد بودن نتایج دارد.

برای رعایت ملاحظات اخلاقی در این پژوهش، پیش از انجام مصاحبه، مجوزهای لازم از دانشکده، دانشگاهها و مؤسسات در مشهد، تهران و قم اخذ شد. همچنین با توجه به اینکه در تحقیقاتی که متضمن گردآوری اطلاعات از انسانهاست، باید توافق‌نامه‌ای مبنی بر محافظت انسانها از خطرات احتمالی تهیه شود؛ از این رو فرم رضایت از مصاحبه‌شونده تهیه شد. در این فرم بیشترین تأکید بر حفظ رازداری و محرمانه بودن اطلاعات بود. همچنین در حین پژوهش تلاش شد تا سلسله‌مراتب قدرت در مؤسسات یا دانشگاههای مورد مطالعه در نظر گرفته شود. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که پژوهشگر روابط انسانی مطلوبی را از آغاز با مصاحبه‌شونده‌ها برقرار کرد.

(د) یافته‌ها

در این بخش به دو پرسش اساسی پژوهش پاسخ داده می‌شود. برای پاسخ به پرسش نخست، به برخی از گزاره‌های آگاهان کلیدی اشاره و جمع‌بندی از رویکردهای آنان ارائه می‌شود و برای پاسخ به پرسش دوم، سرفصلهای پیشنهادی از حیث موضوعی تقسیم‌بندی و توضیح داده می‌شود.

1. یافته‌های مربوط به رویکردهای علوم انسانی اسلامی آگاهان کلیدی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، مراجعه به آگاهان کلیدی علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی به این جهت انجام شد تا با مطرح شدن مجموعه‌ای از پرسشها و برگزاری جلسه یا جلساتی با هدایت کلیات توسط پژوهشگر، رویکرد و نگرش وی به علوم انسانی اسلامی در جریانهای غرب‌گزین، غرب‌گریز، غرب‌ستیز و غرب‌گرا بر مبنای جدول 1 مشخص شود. با مصاحبه‌های انجام شده، مجموعه‌ای از گزاره‌های مرتبط با رویکرد آگاهان کلیدی استخراج شد که به بخشی از آنها، همراه با تحلیل و دلایل جایابی آگاه کلیدی در رویکرد خاص پرداخته می‌شود. همچنین در این بخش به همخوانی درونی بین مقوله‌های کشف شده در تک تک مصاحبه‌ها پرداخته می‌شود. به بیان بهتر؛ هدف این است که مشخص شود آیا مقولات به دست آمده از یک مصاحبه ناظر بر یک رویکرد است یا خیر؟ بعد از بررسی و تحلیل تمامی مصاحبه‌ها، مشخص شد که اغلب گزاره‌های مصاحبه‌شونده‌ها ناظر بر یک رویکرد و دارای همخوانی است. در ادامه به نمونه‌ای از گزاره‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌شود که عیناً جملات آنان ارائه شده تا چگونگی تحلیل و شناسایی رویکرد آنان روشن‌تر شود:

27 ◆ نیازسنجی رئوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی ...

«گر بگیم علوم انسانی یکسره کفر، اصلاً نیاز نیست بگیم کفر که بعد بخوایم تغییر ایجاد کنیم.» (1-2)

«عده‌ای معتقدند که ما باید علوم انسانی را کامل کنار بگذاریم و بیایم از صفر شروع کنیم. با استفاده از روشهای مطرح و اینها می‌شود علوم انسانی اسلامی. من این را قبول ندارم.» (1-2)

«واجه من با علوم انسانی، این است که ما نباید همه علوم انسانی را طاغوتی بدانیم.» (1-2)

«رویکرد و مواجهه من با علوم انسانی، این است که ما نباید همه علوم انسانی کنونی مثل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را طاغوتی بدانیم یا اینکه کاملاً از غریبان الگوگیری کنیم.» (1-2 و 1-3)

«دیدگاهی وجود دارد که می‌گوید باید علوم کنونی که در علوم انسانی وجود دارد را کامل دور بریزیم این مردود است. ببینید وقتی میگیم فلسفه اسلامی خیلی از ساختارها و مباحثش از غرب گرفته شده اما ما کم کم اینو کاری کردیم که اسلامی بشه.» (1-2)

«مکان داره دقیقاً یک نظریه غربی به ما کمک کنه ما نباید با علم غرب برخورد احساسی داشته باشیم. آگاهی نسبت به دانش غرب ضربه‌ای به ما نمیزنه بلکه کمکمان می‌کنه.» (1-2)

«به علاوه بدون آگاهی نسبت به دانش غربی ما نمی‌تونیم مسیرمان را تعیین کنیم به خاطر اینکه وقتی ما می‌رویم سراغ علوم انسانی اسلامی میریم سراغ نظام سیاست، نظام آموزش و پرورش. این نظام آموزش و پرورش از یک دانش غربی پشتیبانی شده و ما وقتی این نهاد غربی یا این دانش پشتیبانی کننده را شناسیم چطوری می‌تونیم در اون تغییر ایجاد کنیم.» (1-2)

همان طور که مشخص است، این گزاره‌ها تأییدی بر رویکرد غرب‌گزین مصاحبه‌شونده است؛ زیرا جریان غرب‌گزینانه به دنبال نفی مطلق دستاوردهای علمی غرب نیست و تجددستیزانه و غرب‌ستیزانه با دستاوردهای غربی برخورد نمی‌کند (خسروپناه، 1393: 282). از طرفی، نفی مطلق دستاوردهای علمی غربیان، به معنی پذیرش کامل علوم انسانی غربی هم نیست؛ همچون روشن فکران غرب‌زده، غرب‌گرایانه به علوم غربی نمی‌نگرد. همچنین بر اساس این رویکرد، دینی شدن پیش‌فرضهای علوم انسانی، ضامن دینی شدن آن علم قلمداد می‌شود (بستان، 1384: 125). از نظر برخی اندیشمندان، ایجاد علوم انسانی اسلامی در گرو آن است که پاره‌هایی از اندیشه اسلامی را به منزله پشتوانه متافیزیکی برای تحقیق در علوم انسانی لحاظ کرد. با توجه به نفوذ عمیق پشتوانه متافیزیکی در مراحل مختلف بسط و گسترش یک نظریه علمی، می‌توان نظریه علمی را به نحوی معنادار و با مسمّا، به پشتوانه متافیزیکی آن منتسب دانست (باقری، 1387). در این راستا مصاحبه‌شونده کد (01-1) بیان می‌دارد:

«... یعنی فرضیه‌ها تون رو از علوم اسلامی اخذ کرده‌اید ولی این فرضیه‌ها در علوم اسلامی نظریه است. پس ما از علوم اسلامی نظریه‌ها رو به عنوان فرضیه در علوم انسانی می‌گیریم با روش علمی که داره بررسی می‌کنیم.»

در ارتباط با آگاه کلیدی که دارای رویکرد غرب‌گزین - غرب‌گریز بود نیز نتایج حاکی از آن بود رویکرد مصاحبه‌شونده در دو رویکرد غرب‌گریز و غرب‌گزین در رفت و آمد است و به طور یکسان در سخنان وی این رویکردها به چشم می‌خورد. مصاحبه‌شونده بیان می‌دارد که:

«رمانی که متفکرین ما، دانشمندان ما و محققین ما در یک فضای غربی و ارزشهای غربی باشند، در زندگی غیر اسلامی باشند ما نمی‌توانیم سراغ دانش انسانی اسلامی برویم.» (2-4)

«شخصیت خود متفکر یا دانشمند است که بسیار مهم است که شخصیت او تحت تاثیر تربیت دینی بوده باشد.» (2-4)

«ما نباید تا گفتیم غرب، دچار هراس شویم. خب غرب هم عناصر فرهنگی اش کاملاً و صد در صد با ما بیگانه نیست.» (1-2)

«آنچه از علوم انسانی غربی صحبت می‌شود به معنی این نیست که کاملاً با ما تعارض دارد نه.» (1-2)

«ما قطعاً بر پایه دستاوردهای بشری باید تولید علوم انسانی اسلامی بکنیم.» (1-2)

در این مصاحبه، آگاه کلیدی درباره چگونگی نایل شدن به علوم انسانی اسلامی، بر استفاده از روش خاصی تأکید نمی‌ورزد و بیش از آن، اصرار بر تغییر جامعه و افراد و تأثیر این افراد بر علم دارد و در تغییر علوم انسانی معتقد است که تولید علوم انسانی اسلامی تحت الشعاع فرهنگ، ارزشها و رویکردهاست و از آنجا که عناصر فرهنگی غرب کاملاً و صد در صد با عناصر فرهنگی کشور ایران بیگانه نیست و هرچند که در ایران باید با توجه به اهداف و آرمانها مان به سمت دانشی برویم که با هویت ما و شخصیت فرهنگی ما سازگاری داشته باشد؛ اما نمی‌شود بدون مطالعه غرب و علوم غربی به این سمت پیش رفت. ساختن جامعه اسلامی که تشکیل شده از افراد اسلامی است، مستلزم توجه به دستاوردهای بشری است؛ مستلزم نقد علوم انسانی غربی است. ما قطعاً بر پایه دستاوردهای بشری باید تولید علوم انسانی اسلامی بکنیم، ما نمی‌توانیم به آغاز تمدن برگردیم این لازمه اش این است که ما به نازلترین سطح فکر و اندیشه تنزل کنیم. بنابر این، با توجه به تصریح مصاحبه‌شونده، می‌توان گفت که از نظر آگاه کلیدی، توجه به علوم انسانی غربی و عدم نفی دستاوردهای علمی آنها، به معنی عامل بازدارنده جهت داشتن جامعه اسلامی نیست، بلکه می‌توان با نگاه انتقادی به علوم انسانی، در صدد تنظیم جامعه اسلامی بود. از این رو، می‌توان گفت گزاره‌های مورد توجه وی، منافی یکدیگر در دو رویکرد غرب‌گزین و غرب‌گریز نیستند.

پیش‌فرض پژوهش این بود که با افراد گوناگون همراه با رویکردهای مختلف علوم انسانی اسلامی مواجه خواهیم شد؛ در حالی که بعد از تحلیل مصاحبه‌ها و تعیین رویکرد غالب آگاهان کلیدی مشخص شد که اغلب آنان دارای رویکرد غرب‌گزین بوده‌اند. این امر بیانگر آن است که عمده آگاهان کلیدی، ضمن اهمیت و توجه به تغییر و تحول در علوم انسانی و داشتن علوم انسانی، تصریح کرده‌اند که همان‌طور که امکان نفی مطلق دستاوردهای علمی غرب وجود ندارد، امکان پذیرش مطلق هم وجود ندارد. از این رو،

29 ♦ نیازسنجی رئوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی ...

در اثنای دارا بودن نگرش انتقادی به علوم انسانی متعارف، معتقد به رویکرد گزینش و تهذیب علوم انسانی کنونی‌اند. همان‌طور که بیان شد، یک نفر از آگاهان کلیدی رویکردی مشترک میان غرب‌گزینی و غرب‌گریزی داشت؛ به این صورت که گزاره‌ها و مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌های ایشان در دو رویکرد مذکور به صورت یکسان منتشر شده بود. اما نزدیکی میان این رویکرد وجود دارد؛ برای مثال اگر طیفی از رویکردهای یاد شده رسم شود، مشخص می‌شود که تفاوت بسیاری میان دو سر طیف؛ یعنی میان غرب‌گرایان و غرب‌ستیزان موج می‌زند، که این تفاوت میان غرب‌گرایان و غرب‌گزیان بیش از هر چیز به تفاوت‌های فنی، آن هم مباحث روشی و انتخاب روش‌شناسی منتهی می‌شود.

رویکردهای چهارگانه علم دینی

غرب‌ستیز	غرب‌گریز	غرب‌گزین	غرب‌گرا
<p>تفاوت عمده میان غرب‌گرایان و غرب‌گزیان در این است که رویکرد غرب‌گریزی معتقد است ما اصلاً کاری نداریم به اینکه علوم انسانی غربی یا مدرن خوب است یا بد، بلکه باید با روشهایی که پیشنهاد می‌دهیم، به تولید علوم انسانی اسلامی پردازیم. در واقع؛ این دیدگاه، دیدگاه میانه‌ای است؛ از آن جهت که علم مدرن غرب را رد نمی‌کند. همان‌طور که علم سکولار وجود دارد، می‌توانیم در کنار آن علوم انسانی اسلامی هم داشته باشیم و خودمان آن را تولید کنیم. البته یقیناً این کار با روش‌شناسی خاصی باید انجام شود؛ یعنی باید روشی در مقابل روشهای علم غربی پیشنهاد داد و مطابق آن روش، به تولید علوم انسانی اسلامی پرداخت. رویکرد غرب‌گریز، نه با غرب در ستیز است و نه گرایش به غرب دارد. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را می‌توان به عنوان نمونه این رویکرد نام برد. آنها پارادایمی مثل پارادایم اجتهادی دانش دینی را مطرح کرده‌اند و در این رابطه، جناب استاد عابدی شاهرودی نظریه‌ای دارد که از آن به علم دینی اجتهادی عام تعبیر می‌شود. شهید صدر را نیز می‌توان در این طبقه جای داد؛ تحت عنوان علم دینی مبتنی بر جامعه دینی.</p>			

از این رو، بیشترین تأکید در این رویکرد، استفاده از روش اجتهادی و دینی برای استخراج و استنباط از متون دینی است؛ در حالی که در رویکرد غرب‌گزین نیز می‌توان از منابع اسلامی در مرحله تعیین پیش‌فرضهای متافیزیکی به عنوان پشتوانه اصلی استفاده کرد و در ادامه، آزمون فرضیه‌های به دست آمده را با روش‌شناسی غربیان انجام داد. در هر دو رویکرد (غرب‌گرایان و غرب‌گزیان) داشتن علوم انسانی اسلامی و امکان آن کاملاً تصریح می‌شود، اما همان‌طور که ذکر شد، چگونگی نیل به این مهم، در هر رویکرد متفاوت است و آن تفاوت در مباحث روشی، نمود پیدا می‌کند. گفتنی است، با مراجعه مجدد به

مصاحبه آگاه کلیدی که همزمان دارای دو رویکرد مذکور بود (3-015)، مشخص شد که مصاحبه‌شونده به مباحث روشی اشاره‌ای نداشته است و آنچه بیش از هر چیز مورد عنایت وی بوده، تصویر هیدگر¹ یا نگاه اکوسیستمی است. به این معنا، هر یک از ما در جهانی² افکنده شده‌ایم، یک جهان فکری و فرهنگی و جهانی از باورها و پیش‌ساختارهای ذهنی.³ این جهان، جهان تنفس فکری و فرهنگی ماست. زیست‌جهان انسان به تمام افکار و اعمال و احساسات و خروجی‌های وجود انسان شکل و رنگ و بو می‌دهد. انسانی با یک زیست‌جهان و با یک اتمسفر و اکوسیستم سنتی قطعاً نمی‌تواند علم، صنعت یا هنری بیافریند که رنگ و بوی سنتی ندهد و در مقابل، انسانی که واقعاً جهان و اکوسیستمی مدرن دارد، بخواهد یا نخواهد، هر چه تولید می‌کند مدرن خواهد بود (بابایی و همکاران، 1390). در واقع؛ «از کوزه هر آن برون تراود که در اوست». علوم انسانی اسلامی هم، علمی است که انسانی دینی (که جهان و اکوسیستم درونی او دینی شده است) به وجود می‌آورد؛ انسانی که در فضا و اتمسفری دینی تنفس فکری و روحی می‌کند. در این مصاحبه، آگاه کلیدی تصریح می‌کند که ما قطعاً بر پایه دستاوردهای بشری باید تولید علوم انسانی اسلامی بکنیم. ما نمی‌توانیم به آغاز تمدن برگردیم. این لازمه‌اش این است که ما به نازل‌ترین سطح فکر و اندیشه تنزل کنیم. بنابر این، با توجه به تصریح مصاحبه‌شونده، می‌توان گفت که گزاره‌های وی، منافی یکدیگر در دو رویکرد غرب‌گزین و غرب‌گریز نیستند. از مجموع آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد غالب آگاهان کلیدی در زمینه علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی غرب‌گزین شناسایی شده است و در اکثر آنان، گرایش مشخصی بر تولید علوم انسانی اسلامی وجود دارد.

2. یافته‌های مربوط به سرفصلهای پیشنهادی آگاهان کلیدی علوم انسانی اسلامی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، مراجعه به آگاهان کلیدی علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی به منظور پاسخگویی به دو پرسش عمده بود. در بخش دوم، پرسشهایی مبتنی بر ارائه پیشنهادهایی از سوی آگاهان کلیدی برای سرفصلهای مورد نیاز دوره‌های علوم انسانی اسلامی پرسیده شد. بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، کلیه سرفصلهای پیشنهادی که شامل 222 مورد بود، از متن مصاحبه‌ها احصا شد. سپس سرفصلها از حیث موضوعی و نوع رویکرد مصاحبه‌شونده به علوم انسانی اسلامی دسته‌بندی شد.

اما بعد از مشخص شدن اینکه رویکرد غالب آگاهان کلیدی، رویکرد غرب‌گزین است؛ تعیین شد که تفاوتی از حیث سرفصلهای ارائه شده وجود ندارد؛ زیرا غالب آنان دارای رویکرد غرب‌گزین بودند. بنابر این، ارائه تقسیم‌بندی جدید سرفصلها با توجه به رویکردهای آگاهان کلیدی بی‌معنا بود و تنها به تقسیم‌بندی سرفصلها از حیث موضوعی پرداخته شد. از این رو، چهار محور کلان یا موضوعات کلیدی با

1. Heidegger

2. World

3. Pre Structures

31 ♦ نیازسنجی رئوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی ...

عناوین دین اسلام، علم و دین، علوم انسانی و نظریه و نظریه‌پردازی حاصل شد. در ادامه، نتایج به دست آمده از این بخش، بر اساس محورهای بیان شده ارائه می‌شود و هر یک از محورها، همراه با سرفصلهای کلی و رئوس مطالب آن توضیح داده می‌شود.

منظور از محور کلان دین اسلام: شناخت دین، قلمرو و ساحت آن، شناخت علوم اسلامی و جهان‌بینی اسلامی است. ذیل این محور کلان، سرفصلهای کلی شناخت دین و مسائل آن، آشنایی با متون اسلامی و الزامات اساسی آن و مبادی و مبانی دین قرار گرفته است. جدول 2 مربوط به سرفصلهای کلی و رئوس مطالب پیشنهادی توسط آگاهان کلیدی است.

جدول 2: محور موضوعی دین اسلام

موضوع کلیدی	سرفصلهای کلی	رئوس مطالب
1. دین اسلام	1-1 شناخت دین و مسائل آن	1. آشنایی با دین و تبیین ضرورت آن 2. آشنایی با معرفت دینی و معرفت‌های مختلف بشری و ظرفیت‌های آن 3. تبیین قلمرو و ساحت دین اسلام 4. تبیین نسبت عقل و دین (بررسی رابطه علم و دین) 5. بررسی و شناسایی شبهات مطرح در رابطه با دین 6. شناخت ماهیت و جایگاه دین اسلام و ارتباط با زندگی انسان 7. بررسی اخلاق عالمان در اندیشه اسلامی 8. تحلیل و تبیین الزامات اهداف و مسائل جامعه اسلامی از منظر دین
	2-1 آشنایی با متون اسلامی و الزامات اساسی آن	9. تسلط بر دانش عربی به منظور درک قرآن و متون 10. توانمندسازی در روخوانی و روان خوانی، تجوید، ترتیل قرآن کریم 11. شناخت انواع تفسیر (تفسیرات مفردات، ترتیبی، موضوعی، ارتباطی، کلی) 12. بررسی و تفسیر موضوعی قرآن 13. کتاب شناسی حدیث شیعه (آشنایی با نهج البلاغه، صحیفه سجاده، نهج الفصاحه، غرر الحکم، وسائل الشیعه) 14. حدیث شناسی و بررسی مبانی و قواعد نقد حدیث شیعه 15. آشنایی با آثار و کتب فلسفی جهان اسلام (اسفار ملاحصرا، بدایه الحکمه و نهایه الحکمه) 16. آشنایی با کلیات علوم اسلامی (فلسفه، منطق، کلام، عرفان) 17. تشریح و تحلیل فلسفه علوم اسلامی 18. آشنایی با متون مهم فلسفی اسلام با توجه به ترتب تاریخی (حکمت متعالیه، مشا و اشراق)

<p>19. آشکارسازی مبادی جایگزین با مبادی غیر اسلامی در دین</p> <p>20. بررسی ظرفیت فلسفه اسلامی در تحول علوم انسانی</p> <p>21. بررسی و تفسیر مبانی دیگر مکاتب فلسفی و مقایسه آن با مبانی اسلامی</p> <p>22. بررسی و تحلیل نظریه واقع‌گرایی و واقع‌گرایی اسلامی</p>	3-1 مبادی و مبانی دین	
---	-----------------------	--

موضوع کلیدی دیگر، **علم و دین** است؛ منظور از این محور، مباحث مرتبط با رابطه علم و دین است که سرفصلهای کلی علم دینی و اسلامی (عام)؛ شناخت علم و مبانی فلسفی، جامعه‌شناختی و تاریخی آن و بررسی ارتباط میان علم و دین شناسایی شده است. در جدول 3، سرفصلهای کلی و رئوس مطالب مربوط به این موضوع آمده است.

جدول 3: محور موضوعی علم و دین

رئوس مطالب	سرفصلهای کلی	موضوع کلیدی
<p>1. بررسی و تحلیل فلسفه علم با عنایت به دیدگاه واقع‌گرایی (بررسی چگونگی تحول در علوم به شیوه واقع‌بینانه (رتالیستی))</p> <p>2. شناسایی و تحلیل مکاتب فلسفه علم (پوزیتیویسم، پوپر، لاکاتوش، کوهن، فایرابند)</p> <p>3. ارائه مثالهایی از تأثیر مبانی متفاوت با مبانی اسلامی بر علم</p> <p>4. تحلیل انتقادی مبانی فلسفی علم بر اساس دین و فلسفه اسلامی</p> <p>5. روشنگری ویژگی‌های ذات علم و مولفه‌های علم در اسلام و غرب</p> <p>6. بررسی مولفه‌های تأثیر گذار در رشد و افول علم</p> <p>7. مروری تاریخی جامعه‌شناختی بر وضعیت توسعه و افول علم به منظور آگاهی بخشی</p>	1-2 شناخت علم و مبانی فلسفی، جامعه‌شناختی و تاریخی آن	2-علم و دین
<p>8. بررسی نسبت علم به طور کلی با دین</p> <p>9. تشریح و تحلیل بسترهای ارتباط علم و دین از منظر عمل و نظر</p> <p>10. تبیین رابطه میان حوزه‌های علمی و اسلام</p> <p>11. تبیین پارادایم خاص علم دینی با تأکید بر مبانی فلسفی، مبانی کلامی، مبانی معرفتی و مبانی روشی علم دینی</p>	2-2 بررسی ارتباط میان علم و دین	
<p>12. بررسی و تحلیل در گزاره‌های دینی</p> <p>13. شناسایی چینیستی علم اسلامی جهت کاربردی سازی</p> <p>14. شناخت علم دینی اسلامی و علم بومی</p> <p>15. آشنایی با قواعد، گزاره‌ها و گزیده استدلال‌ات علم اسلامی موازی بر اساس گزیده متون</p> <p>16. تعریف علم دینی از طریق تشریح رابطه علم دینی با علوم بشری، خدمات علوم بشری به علم دینی، روش‌شناسی علوم انسانی موجود و نقدهای آن، نسبت عقل در علم دینی.</p>	3-2 علم دینی و اسلامی (عام)	

نیازسنجی رئوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی ... ❖ 33

محور کلیدی دیگر، علوم انسانی است که ذیل آن، سرفصلهای کلی علوم انسانی غربی، علوم انسانی اسلامی، بررسی تطبیقی علوم انسانی اسلامی و غربی و حوزه علمی خاص قرار داده شده است. همان‌طور که از عنوان محور کلیدی مشخص است، در این بخش به موضوعات و سرفصلهایی پرداخته شده که مرتبط با علوم انسانی چه به طور عام و چه به طور خاص مربوط به رشته‌های تحصیلی است. در جدول 4، سرفصلهای کلی و رئوس مطالب مربوط به آن آمده است.

جدول 4: محور موضوعی علوم انسانی

رئوس مطالب	سرفصلهای کلی	موضوع کلیدی
1. بررسی تاریخ تمدن غرب و تمایزات آن با تاریخ ایران 2. غرب شناسی در قالب تحلیل جریانهای مؤثر در تاریخ اندیشه غرب و پیش فرض های معرفتی حاکم بر این جریانات 3. شناسایی ساختار و ویژگی های علوم انسانی غربی 4. مطالعه انتقادی علوم انسانی غربی بر اساس روش علمی 5. بررسی و تحلیل چگونگی شکل گیری نظریه های علوم انسانی غربی و نقد و مقایسه درونی و بیرونی 6. بررسی انتقادی مستمر و صریح نظریه های علمی انسانی 7. بررسی تهذیبی علوم انسانی متعارف بدون واسطه، با روش علم 8. شناخت ماهیت و جایگاه علوم انسانی و ارتباط با زندگی انسان 9. تفحص تاریخی مقام علوم انسانی 10. تشریح و تبیین هویت علوم انسانی در قالب شاخه های علوم انسانی، طبقه بندی علوم انسانی و ترکیب رشته های آن.	1-3 علوم انسانی غربی	3 علوم انسانی
11. بررسی مطالبات از دانشگاه در قبال علوم انسانی 12. بررسی چگونگی تعامل حوزه های علوم انسانی با دیگر نهادها 13. تبیین چگونگی پیوند بین علوم انسانی و حل مسائل جامعه 14. بررسی و شناسایی مسائل جامعه بنا به اقتضائات رشته با عنایت به حل مسئله 15. تبیین نقش آفرینیهای علمی و توسعه فناوری بومی به منظور باورمندی 16. تحلیل انتظارات متقابل جامعه علمی و جامعه 17. تشریح نسبت دانشگاه در حوزه علوم انسانی	2-3 علوم انسانی اسلامی 1-2-3 علوم انسانی و جامعه	

<p>18. بررسی ضرورت علوم انسانی اسلامی 19. بررسی امکان و توانایی دستیابی به علوم انسانی اسلامی 20. بررسی باورمندی دستیابی به علوم انسانی اسلامی 21. بررسی چستی فلسفه علوم انسانی اسلامی 22. تشریح اصول مبتنی بر مبانی علوم انسانی اسلامی 23. بررسی و تشریح ضرورت دارا بودن نظام نامه علوم انسانی اسلامی 24. بررسی و تحلیل خط مشی اساسی و کلی علوم انسانی اسلامی 25. هدف گذاری و هدف شناسی علوم انسانی اسلامی 26. شناسایی و تحلیل مقتضیات علوم انسانی اسلامی در قالب آشنایی با نهادهای تربیتی و علمی غربی؛ ارزشهای حاکم بر علم، آسیب‌های ناشی از به کارگیری علم و نهادهای غربی، شناخت ارزشهای جایگزین و مطلوب اسلامی، شناخت روش دستیابی به تکنولوژی نرم و نهادهای اجتماعی 27. روشنگری هویت علوم انسانی اسلامی و پیوند آن با علوم انسانی 28. تبیین مفهومی چرایی و چگونگی شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی 29. مطالعه انتقادی دیدگاه‌های مطرح در علوم انسانی اسلامی</p>	<p>2-2-3 چگونگی و ضرورت علوم انسانی اسلامی</p>	
<p>30. بررسی اسناد و میزان نقش آفرینی آنها در راستای علوم انسانی اسلامی 31. شناسایی کارکردها و کاربردهای علوم انسانی اسلامی 32. تحلیل تعامل انسان با جهان تحت عنوان روابط انسان با خدا، خود، جامعه و طبیعت 33. تشریح پیامدهای علوم انسانی اسلامی 34. شناسایی مسائل قابل حل با علوم انسانی اسلامی</p>	<p>2-3-3 کاربردی علوم انسانی اسلامی</p>	
<p>35. شناخت و مقایسه مبادی و مبانی علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی غربی 36. بررسی تطبیقی میزان کنش متقابل علوم انسانی غربی و علوم اسلامی در مبانی و فروع 37. تشریح ظرفیت تعامل میان علوم انسانی غربی و علوم اسلامی 38. نگاه تطبیقی به مبانی دیدگاه‌های غربی و اسلامی، به علوم انسانی و برون داد آنها 39. بررسی مبانی اسلامی علوم انسانی با توجه به نفی مبانی رایج</p>	<p>3-3 تطبیقی علوم انسانی اسلامی و غربی</p>	
<p>40. تبیین پارادایم‌های رایج علوم، در تاریخ، در حوزه علمی خاص 41. تبیین پارادایم‌های اصلی و رایج در حوزه علمی خاص 42. نقد و ارزیابی پارادایم‌های موجود در حوزه علمی خاص</p>	<p>4-3-3 پارادایم خاص، حوزه علمی خاص</p>	

<p>43. ارائه نمونه‌هایی از چگونگی ارتباط حوزه علمی خاص و دین</p> <p>44. تبیین سازگاری علم و دین با توجه به حوزه علمی خاص</p> <p>45. ارائه و تبیین هندسه یا نظام حوزه علمی خاص در اسلام با توجه به مقاصد، اصول، ارزشها، قواعد، گزاره‌ها</p> <p>46. شناسایی و بررسی مبانی فلسفی حوزه علمی خاص</p> <p>47. بررسی و تحلیل پیش‌فرض‌ها در هر علم خاص</p> <p>48. بررسی چگونگی تاثیر گذاری مبانی دینی در حوزه علمی خاص</p> <p>49. بررسی چگونگی تلفیق حوزه‌های محتوایی حوزه علمی خاص با مبانی دینی</p> <p>50. تبیین موضوعیت پارادایم جدید بر مبنای انگاره دینی در هر حوزه علمی</p> <p>51. تبیین موضوعیت پارادایم جدید در هر حوزه علمی با توجه به مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی، روش‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ‌شناسی، آینده‌شناسی و دین‌شناسی</p> <p>52. مروری بر مسائل و موضوعات آن حوزه علمی خاص در آیات و روایت یا در متون اسلامی</p> <p>53. بررسی و تبیین نقش متون اسلامی و آیات و روایات در ارتباط با حوزه علمی خاص</p> <p>54. شناسایی و تحلیل روشهای فهم آیات و روایات بنا به حوزه علمی خاص</p> <p>55. توضیح و تشریح کلیات و فلسفه علم اسلامی موازی با حوزه علمی خاص در علوم انسانی</p> <p>56. تبیین فلسفه حوزه علمی خاص با عنایت به رویکرد اسلامی</p> <p>57. بررسی انتقادی مکاتب فلسفی حوزه علمی خاص</p>	<p>2-4-3 حوزه علمی خاص و دین اسلام</p>	
<p>58. پیشینه‌شناسی حوزه علمی خاص مرتبط با علوم انسانی اسلامی</p> <p>59. شناخت پیشینه موضوعات آن حوزه علمی خاص در علوم اسلامی</p> <p>60. شناسایی بستر تاریخی تکوین آن رشته علمی خاص</p>	<p>3-4-3 تاریخ حوزه علمی خاص</p>	
<p>تحقیق انتقادی گزاره‌های علمی با روش علمی</p> <p>شناسایی مسائل مطرح و اصلی در آن علم خاص</p> <p>61. بررسی و تحلیل سطوح فرعی حوزه علمی خاص</p> <p>62. شناسایی و بررسی کتب مرجع حوزه علمی خاص</p> <p>63. نمایاندن بهره‌عملی حوزه علمی خاص</p> <p>64. شناسایی مختصات دانش مطلوب آن رشته خاص و تفاوت و تمایز آن با دانش در سنت خودی و غربی</p>	<p>4-4-3 ماهیت و مسائل حوزه علمی</p>	

موضوع کلیدی دیگر، **نظریه و نظریه پردازی** است. در این بخش، به سرفصلهای کلی بررسی نظریه‌ها و نمونه‌های تولید علم در اسلام، نظریه پردازی، نظریه و نظریه پردازی حوزه علمی خاص، آموزش پژوهشگری، روش و روش شناسی پرداخته شده است. همان‌طور که مشخص است در این محور به سرفصلهای مرتبط با نظریه‌ها و نظریه پردازی چه به طور عام و چه به طور خاص در رشته‌های تحصیلی پرداخته شده است. در جدول 5، سرفصلهای کلی و رئوس مطالب مربوط به آن آمده است.

جدول 5: محور موضوعی نظریه و نظریه پردازی

موضوع کلیدی	سرفصلهای کلی	رئوس مطالب
4. نظریه و نظریه پردازی	1-4 بررسی نظریه‌ها و نمونه‌های تولید علم در اسلام	1. ارائه گزیده‌ای از نظریه‌های اسلامی 2. بررسی و نقد نمونه‌های اسلامی تولید علم 3. بررسی تطبیقی نظریات موجود علم دینی با تأکید بر شناسایی نقاط قوت و ضعف نظریات، امکان و وقوع علم دینی، شبهات مطرح در بحث علم دینی
	2-4 نظریه پردازی	4. شناخت اصول ساخت نظریه 5. مفهوم شناسی نظریه پردازی بر اساس رویکرد اسلامی 6. بررسی امکان نظریه پردازی و ضرورت آن 7. بررسی چگونگی نظریه پردازی 8. شناسایی و تبیین مدل معرفتی و راهبردی علم دینی در قالب مباحث روشی و راهبردها (برای مثال مدل حکمی - اجتهادی)
	3-4 نظریه و نظریه پردازی حوزه علمی خاص	9. بررسی و نقد نظریه‌های غربی در حوزه علمی خاص 10. بررسی و نقد نظریات ارائه شده حوزه علمی در ایران 11. تبیین چگونگی نظریه پردازی در حوزه علمی خاص
	4-4 آموزش پژوهشگری	12. آموزش منطق به منظور مصون داشتن اندیشه از انحراف و خطا 13. توانمند کردن اساتید در پژوهشهای بین رشته‌ای 14. آموزش مهارت نبوغ، خلاقیت و روشهای جدید پژوهش 15. آشنایی با علم اصول

<p>16. مذاقه انتقادی رویکردهای روش‌شناسی در جهان و ایران 17. بررسی روش‌شناسی و روشهای پژوهش استفاده از منابع اسلامی مثل استنتاج 18. معرفی روش اجتهادی به عنوان روش تولید علم دینی 19. بررسی چگونگی تولید مکتب فکری در علوم انسانی مانند مکتب روانشناسی اسلامی</p>	<p>5-4 روش و روش‌شناسی</p>	
--	----------------------------	--

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

مسئله اصلی این نوشتار، جلب توجه به ضرورت هدایت اعضای هیئت علمی دانشگاهها در حوزه علوم انسانی، به سوی آمادگی نظریه‌پردازی بر پایه مبانی دینی است؛ از طرفی، فراهم‌سازی مطلوب این سازوکار و ایجاد بستر توانمندسازی اساتید، بدون توجه به مطالعات نیازسنجی امکان‌پذیر نخواهد بود. برای شناسایی و تشخیص اینکه اگر هدف، آماده‌سازی و ایجاد زمینه برای نظریه‌پردازی عضو هیئت علمی علوم انسانی باشد، بهتر است چه موضوعات و رئوس مطالبی در چنین دوره‌هایی به کار گرفته شود، به آگاهان کلیدی و متخصصان امر که در حوزه علم و دین، علم دینی و علوم انسانی اسلامی دارای آثار و تألیفاتی بودند و در طراحی دوره‌های مشابه برای اساتید و دانشجویان نقش داشتند، مراجعه و با آگاهی از رویکرد آنان، پیشنهادهایی در خصوص سرفصلها و موضوعات مورد نیاز در این دوره‌ها دریافت شد.

پیش‌فرض پژوهش این بود که افراد مختلفی با رویکردهای متفاوتی معرفی خواهند شد؛ افرادی با رویکردهایی از چهار جریان علوم انسانی اسلامی که امروز در ایران فعالیت دارد. بعد از تجزیه و تحلیل رویکرد آگاهان کلیدی، مشخص شد که رویکرد غالب آنان به علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی، غرب‌گزین است. این امر نشان از وجه مثبتی دارد که متخصصان علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی با توجه به خبرگی، به رویکرد کامل‌تر و جامع‌تری گرایش دارند. این رویکرد از آن حیث کامل‌تر جلوه می‌کند که با ادله موجه معتقد است باید بر پایه دستاوردهای بشری به تولید علوم انسانی اسلامی اقدام کرد؛ نمی‌توان علوم غربی را کنار گذاشت، به مطالعه پرداخت؛ نمی‌توان برای تولید علم، به آغاز تمدن بازگشت؛ نمی‌توان به نازل‌ترین سطح فکر و اندیشه رفت؛ بلکه باید به شناخت مبانی فلسفی غرب و به نقد اومانسیم و سکولاریسم پرداخت و در باب دستاوردهای مدرنیته، نگرش‌گزینی داشت. متخصصان معتقدند که شکل‌گیری تمدن اسلامی نیز در سایه توجه به میراث فرهنگی، علمی و دستاوردهای قرون متمادی بشر در تمدنهای پیشین حاصل شده است. از این رو نمی‌توان بدون توجه به علوم انسانی غرب و دستاوردهای آن، دست به تولید علوم انسانی اسلامی زد و از طرفی، نمی‌توان چشم‌پسته آنرا پذیرفت.

در حالی که در دیگر رویکردهای علوم انسانی اسلامی، نگاه به علم، آن هم علوم انسانی غربی، یا تجدیدستیزانه و غرب‌ستیزانه است یا غرب‌زده؛ یا کاملاً رد می‌شود یا کاملاً پذیرفته؛ در رویکرد غرب‌گزین، با نگاهی انتقادی به بررسی و پذیرش علوم انسانی غرب دست می‌زند. در باب روش تولید علوم انسانی اسلامی نیز باید گفت: در صورتی می‌توان صفت «علمی» به علوم انسانی اسلامی اطلاق کرد که متأثر از روش علمی، به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شود. بنابر این، فرایند تکوین علوم انسانی اسلامی دقیقاً همانند فرایندی است که علوم انسانی معاصر طی آن تکوین یافته‌اند. اما در این رویکرد، پیش‌فرضیهایی که فرضیه‌ها متأثر از آنند، از اندیشه اسلامی برگرفته شده است. به بیان بهتر؛ در مرحله نخست که همان کشف پیش‌فرضیه‌های متافیزیکی است، نقش دین و آموزه‌های اسلامی بسیار برجسته است و این برجستگی در رویکرد غرب‌گزین نیز دیده می‌شود؛ یعنی می‌توانیم به واسطه این ویژگی، شاهد رویکرد غرب‌گزین در دل رویکرد غرب‌گزین باشیم که به نحوی متعالی‌تر آن را پوشش می‌دهد و منافی و متضاد هم نیستند.

نظر به بدیع بودن پژوهش، چه از حیث روش و چه از حیث موضوع، مطالعه‌ای به صورت نظری و کاربردی در این زمینه صورت نگرفته است تا نتایج پژوهش حاضر را با آن مقایسه کرد. از این رو، توجه به وضع موجود دوره‌های برگزار شده برای اساتید، مانند دوره‌هایی که به منظور توانمندسازی، بصیرت‌افزایی و بالا بردن سطح بینش دینی و عقیدتی اعضای هیئت علمی دانشگاهها برگزار شده است (برای مثال دوره‌های ضیافت اندیشه)، حایز اهمیت است تا با نتایج این پژوهش مورد مقایسه قرار گیرد. مصاحبه‌های صورت گرفته با آگاهان کلیدی و همچنین بررسی‌های پژوهشگر، نشان از وجود کاستی‌هایی در دوره‌های برگزار شده برای اساتید علوم انسانی دارد که تشریح و تبیین آن نیاز به توضیح مقدماتی دارد؛ از جمله اینکه، بحث نظریه‌پردازی در علوم انسانی، آن هم بر اساس مبانی دینی، متأثر از نظریه‌پردازی در کل حوزه علم است. در هر علمی، در صورتی می‌توانیم به نتیجه مطلوب؛ یعنی تولید نظریه نایل شویم که نیازی در فرد متخصص ایجاد شود. به این صورت که، نظریه‌های موجود توانایی تبیین پدیده‌ها و وقایع را ندارند و باید روی نظریه‌های موجود علامت سؤال گذاشت. اگر باور و درک به وجود نیاز احساس نشود که می‌توان پدیده و وقایع را به شکلهای نویی تبیین کرد، نظریه‌ای شکل نخواهد گرفت. نگاه و اندیشه هر فرد، وی را به سمت عمل خاص و می‌دارد. اگر افکار وی صحیح نباشد، عمل وی نیز متأثر از آن است. از این رو، اگر اندیشه و نگاه عضو هیئت علمی تغییر کند، عمل او نیز تغییر خواهد کرد. هدف از برگزاری دوره‌های مختلف، به ویژه دوره‌های ضیافت اندیشه، افزایش سطح بینش دینی و عقیدتی عضو هیئت علمی است؛ اما آیا دوره‌های مذکور توانسته‌اند نگاه و اندیشه عضو هیئت علمی را تغییر دهند یا فقط برای گذراندن و دریافت ترفیع بوده است؟ ایجاد نیاز به تولید نظریه و نظریه‌پردازی در عضو هیئت علمی آن هم بر اساس مبانی دینی، در این دوره‌ها ایجاد نشده است.

نیازسنجی رئوس مطالب برنامه درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی ... ❖ 39

مسئله دوم مؤثر بر شکل‌گیری نظریه، باورمندی عضو هیئت علمی است به اینکه می‌تواند در عرصه نظریه‌پردازی ورود پیدا کند و تولید نظریه صرفاً کارِ فرامنها نیست. ایجاد باور «من می‌توانم» یکی از استلزامات نظریه‌پردازی است که در عضو هیئت علمی ایجاد نشده و این موضوع یک آسیب است. برای رسیدن به یک باور، ابتدا باید داشته‌هایمان را مرور کنیم و بعد آموزش در راستای نگهداری و حفظ آن صورت گیرد و توانمندی‌هایمان را بروز دهیم تا به اهدافی که نیاز است برسیم و اساتید درک کنند که این توانمندی در تمام این سرزمین وجود دارد. تا باورمندی به صورت مطلوب ایجاد نشود، دوره‌ها و کلاسها برای استاد دانشگاه ارزشی ندارد. برای نظریه‌پردازی در عرصه علوم انسانی، نیاز به یک باورمندی استوار داریم و آن حضور خداوند در تمامی عرصه هستی است.

استادی که می‌خواهد در رشته تحصیلی خود با توجه به مبانی دینی نظریه‌پردازی کند، در بدو ورود باید از لحاظ ایمانی به مرتبه‌ای رسیده باشد؛ زیرا نمی‌توان از استادی که با دین میانه خوبی ندارد، انتظار نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی را داشت و این انتظار بیهوده‌ای است. حتی اگر حاصلی هم داشته باشد، حاصل قابل دفاعی نیست. همچنین این امر در یک دوره محدود امکان‌پذیر نیست. دوره‌های ضیافت اندیشه، حالتی از اضطراب را به همراه دارد که مطلوب نیست و یادگیری واقعی در فضای اضطراب و اجبار اتفاق نمی‌افتد. گذراندن واحدهای درسی مورد نظر این دوره‌ها، در دوره یک ماهه تا سه ماهه، بدون توجه به ارتباطدهی دروس با یکدیگر و آشکارسازی کاربرد آنان برای عرصه علوم انسانی و اسلامی، راه به جایی نمی‌برد.

طبق گفته سرپرستان و دست‌اندرکاران برگزارکننده دوره‌هایی همچون: علم و ایمان و ضیافت اندیشه، محتوای برنامه درسی موجود، شامل مسائل غیر کاربردی، کلی و انتزاعی است که استاد درک مناسب و موثقی از آن پیدا نمی‌کند. مدرس دوره، تنها چشم‌اندازی از موضوع مورد نظر را ارائه می‌دهد و در مورد چگونگی به کارگیری آن به ندرت صحبت می‌شود و چگونگی بهره‌گیری از موضوعات و ارتباط آن با رشته استاد دانشگاه مشخص نیست. محتوای ارائه شده در دوره‌های مذکور، مسئله‌محور و ملموس نیست و استادی که در این کلاسها قرار می‌گیرد، متوجه نمی‌شود که این مسائل چه کاربردی برایش دارد.

در محتوای برنامه درسی این دوره‌ها، ضمن التفات به داشته‌هایمان در علم خاص، آن هم بر اساس چارچوب اسلامی و دینی، باید نظریه‌های موجود در آن رشته تحصیلی خاص را شناخت و آن را نقد و بررسی کرد. سؤالی به موازات این مسئله پیش می‌آید این است که آیا دوره‌های برگزار شده، این توانایی را در اساتید ایجاد کرده‌اند؟ آیا عضو هیئت علمی دانشگاه به مقایسه کردن نظریه‌های علوم انسانی متعارف با دیدگاه‌های موازی آن در اسلام توانمند شده است؟ باید عضو هیئت علمی از دو حیث تحصیلات حوزوی و معارف اسلامی و هم دانشگاهی تسلط داشته باشد.

از این رو، نکته حائز اهمیت آن است که اگر نگاه حاکم بر برنامه درسی این دوره‌ها با عنایت به بهبود و تقویت نظریه‌پردازی بر اساس آموزه‌های دینی و نایل گشتن به علوم انسانی اسلامی باشد، مهم‌ترین دستاورد آن، پایان دادن به انحصارگرایی غربیان در علوم انسانی است؛ زیرا علم متعلق به بشریت است و نباید جامعه‌ای در آن مرکزگی کند. از این رو، تولید علم در عرصه علوم انسانی باید برای همه بشریت مورد استفاده قرار بگیرد و این دانش اگر بر اساس مبانی صحیح باشد، می‌تواند منشأ هدایت قرار گیرد و به رفتارهای انحصارطلبانه پایان دهد. همچنین یکی از ملزومات و مقدمات فرایند نظریه‌پردازی این است که نخست باید نظریه‌های دیگر را شناخت؛ باید نظریه‌های رقیب را شناسایی و نقاط ضعف و قوت آنها را ارزیابی کرد و به‌بوته نقد کشید. انتظار از نظریه‌پردازی بر اساس مبانی دینی این نیست که در دنیا را به روی خود بیندیم و مخالف دستاوردهای مثبت سایر ملتها باشیم، بلکه باید با شناخت علوم انسانی موجود و نظریه‌های آن که بر پایه فلسفه‌هایی استوار شده که اگر کسی آنها را بپذیرد باید آن علوم انسانی را تقلید کند، به دیده انتقادی نگریست. توجه به برگزاری دوره‌هایی با این رویکرد، منجر به آشنا شدن اعضای هیئت علمی علوم انسانی با مواضع و دیدگاههای رقیب (غرب) می‌شود. از این رو، با قرار گرفتن اعضای هیئت علمی علوم انسانی در این مسیر، آنها هیچ نظریه غربی‌ای را بدون شناسنامه نمی‌آموزند و بستر اجتماعی و مبانی معرفتی آن نظریه را نیز قابل تأمل می‌دانند. در این صورت است که راه برای طرح نظریه‌های جدید و قابل رقابت با نظریه‌های رقیب روشن می‌شود و اعتماد به نفس آکادمیک محافل علمی علوم انسانی در کشور بهبود می‌یابد و اساتید علوم انسانی از جمود رشته‌ای و تحجر روش‌شناسانه خارج می‌شوند (دانا، فرد، 1388: 9) و در نهایت، تلقی نسبت به علم و دانش از منظر استاد و دانشجو متفاوت می‌شود.

با توجه به سرفصلهای ارائه شده در بخش پیش، متوجه می‌شویم که همه آنها صرفاً موضوعات نظری نیستند، بلکه تعداد زیادی از آنها مرتبط با مباحث پژوهشی‌اند. با تغییر نگاه از آموزش محوری به سمت آموزش و پژوهش محوری در این دوره‌ها، عضو هیئت علمی علاوه بر آشنایی بیشتر با روش‌شناسی غربیان، نسبت به روش‌شناسی اسلامی و چگونگی استفاده و بهره‌گیری از منابع اسلامی، بینشی صحیح پیدا می‌کند. در این مجال، خلاقیت و شیوه‌های جدید پژوهشگری را در راستای پژوهش می‌آموزد و شجاعت و اعتماد به نفس ایده‌پردازی را به دست می‌آورد. میزان وابستگی عضو هیئت علمی به منابع غیر بومی و نداشتن استقلال فکری و تقلید محض از این منابع، بدون توجه به شرایط کشور و سازگاری و انطباق این نظریه‌ها با محیط ایران کاهش می‌یابد و قادر می‌شود میان آنچه آموخته و به تحقیق و پژوهش پرداخته است، ارتباط دهد و برآیند آن را در حل مسائل جامعه سرازیر کند.

پیشنهادها

توصیه می‌شود نیروهای متخصص دانشگاهی برای حضور در تیم طراحی و تدوین برنامه درسی دوره‌های علوم انسانی اسلامی اساتید جذب شوند و از مجتهدین و همکاری میان نهاد دانشگاهی و حوزوی برای دوره‌های مذکور استفاده شود. همچنین طراحی این دوره‌ها به صورت موازی، برای دانشجویان نیز توصیه می‌شود؛ البته این امر مستلزم تدوین اهداف و محتوای متناسب با دانشجویان است.

توجه به ایجاد تالارهای گفتگوی انتقادی میان اساتیدی که از موقعیت و وضع کنونی رشته‌های علوم انسانی و تدریس محورهای متعارف هر رشته توسط استادان رضایت دارند و افرادی که معتقد به تغییر در فضای رشته‌های علوم انسانی‌اند نیز حائز اهمیت است. این گونه گفتگوها زمینه نقادی و فرصتی را برای شنیدن دیدگاههای مخالف مهیا می‌کنند و منجر به رسیدن به یک قناعت مشترک می‌شوند. بهتر است دوره‌هایی که برای اعضای هیئت علمی برگزار می‌شود، مانند ضیافت اندیشه، از حالت دوره‌ای خارج و به یک فرایند مداوم تبدیل شوند. پیشنهاد می‌شود دوره‌های مذکور، متناسب با رشته‌های تخصصی علوم انسانی، به صورت مجزا طراحی و محتوای برنامه درسی متناسب با رشته تخصصی تدوین شود.

یکی از مسائلی که پژوهشگر در این پژوهش با آن روبه‌رو بود و به عنوان یک دغدغه توسط آگاهان کلیدی نیز مطرح می‌شد، تفاوت قائل نشدن میان علم دینی و علوم انسانی اسلامی است. از این رو بهتر است بحث مفهوم‌شناسی از ریشه حل شود. در صورتی که عدم تمایزگذاری ادامه یابد، مشکل مفهومی تا شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی و علم دینی تداوم می‌یابد. به همین سبب، با توجه به وجود تعاریف متعدد از طرف آگاهان کلیدی نسبت به علوم انسانی اسلامی و علم دینی، توصیه می‌شود پژوهشی به واکاوی مفهومی موارد مذکور بپردازد.

طراحی دقیق برنامه درسی دوره‌های علوم انسانی اسلامی برای تقویت نظریه‌پردازی، مستلزم داشتن مدل و الگوی مناسب است. توصیه می‌شود این امر در رساله‌های دکتری پیگیری شود.

آسیب‌شناسی دوره‌های ضیافت اندیشه، بررسی و تفاوت آن با وضعیت مطلوب مشخص شود و نتایج آن برای طراحی دوره‌های علوم انسانی اسلامی به کار گرفته شود. به عنوان پیش‌نیاز پیشنهاد می‌شود امکان‌سنجی تدوین سندی در خصوص مشخص شدن نوع مطالبات از دانشگاه، دانشگاهی و عضو هیئت علمی در زمینه نظریه‌پردازی مشخص شود.

اجرای پژوهشی وسیع‌تر با استفاده از روش گروه‌های کانونی نیز پیشنهاد می‌شود. براینکه این روش و کنار هم قرار دادن آگاهان کلیدی (آگاهان کلیدی می‌توانند هم شامل برنامه‌ریزان درسی و هم مجتهدان دینی باشند) با دیدگاههای متفاوت و گفتگوی میان آنها، هر چند دشوار، اما حائز اهمیت است. از این رو،

این سؤال پیش می‌آید که اگر این پژوهش با استفاده از روش گروههای کانونی انجام می‌شد، چه تفاوتی با آنچه حاصل شده است داشت؟

محدودیتها

این پژوهش با محدودیتهایی نیز روبه‌رو بود از جمله اینکه با برخی از افراد، مصاحبه کامل و پاسخگویی به تمامی محورها، در یک روز تمام نمی‌شد و به روزهای بعدی موکول می‌شد و تماسها و مراجعه‌های متعدد پژوهشگر برای پیگیری ادامه مصاحبه، راه به جایی نمی‌برد. لذا محدودیت زمانی مهم‌ترین علت بود و بر مصاحبه‌ها تأثیر می‌گذاشت. هر چند قسمتی از مصاحبه انجام شده دارای اطلاعات ارزشمندی بود، اما این گونه مصاحبه‌های نیمه‌تمام انجام شده، رها می‌شد و قابلیت به کارگیری در این پژوهش را نداشت.

با وجود اینکه درباره ماهیت پژوهش تا حد ممکن اطلاعاتی در اختیار مصاحبه‌شونده‌ها قرار می‌گرفت و نیز پژوهشگر متعهد می‌شد موارد نامبرده در فرم رضایت از مصاحبه‌شونده را در جهت رازداری رعایت کند، اما برخی از افراد تمایلی به انجام مصاحبه و ضبط صدای خود نشان نمی‌دادند و بیشتر بر پر کردن پرسشنامه تمایل داشتند. برخی از آگاهان کلیدی نیز علت عدم رغبت شرکت در مصاحبه را، زمان‌بر بودن آن بیان می‌داشتند. از این رو، این آگاهان کلیدی از دایره افراد مصاحبه‌شونده حذف می‌شدند. با وجود تلاش فراوان و پیگیری‌های متعدد برای جلب رضایت و همکاری برخی از آگاهان کلیدی، تعدادی از آنان از شرکت در مصاحبه به دلایل متعددی امتناع ورزیدند.

از دیگر محدودیتهای این مطالعه می‌توان به فقر منابع پژوهشی و نظری در باب روش انجام پژوهش اشاره کرد. هر چند در کشور ما از مطالعات نیازسنجی در رشته‌های متعدد استفاده شده است، اما اکثر آنها نیازسنجی‌هایی است که به صورت کمی انجام شده‌اند. لذا انجام این مطالعه از طریق نیازسنجی با رویکرد کیفی، به مدد مطالعات خارج از کشور صورت پذیرفته و به دلیل عدم دسترسی به برخی از منابع و نیز تفاوت‌های موضوعی، در این زمینه دچار دشواری‌هایی بوده است.



منابع

- بابایی، بیژن؛ مسعودی، جهانگیر؛ دهقان‌زاده، محمدرضا (1390). «ارائه تصویری دیالوگی از علوم انسانی دینی». مجموعه مقالات همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تبریز: انتشارات دانشگاه صنعتی سهند.
- باقری، خسرو (1387). هویت علم دینی: تگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بستان، حسین (1384). گامی به سوی علم دینی: ساختار علم تجربی و امکان علم دینی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- پاک‌سرشت، محمدجعفر (1386). «نظریه‌های تربیتی و چالش‌های نظریه‌پردازی در آموزش و پرورش». نوآوری‌های آموزشی، ش 6 (2): 148-125.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ پریسا رضایی و حمیدرضا یزدانی (1388). «بررسی موانع نظریه‌پردازی در قلمرو علوم اجتماعی». مدیریت بازرگانی، ش 1 (2): 62-47.
- خسروپناه، عبدالحسین (1393). در جستجوی علوم انسانی اسلامی: تحلیل نظریه‌های علم دینی و آزمون الگوی حکمی - اجتهادی در تولید علوم انسانی اسلامی، ج 1. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها و دفتر نشر معارف.
- دانایی‌فرد، حسن (1388). «تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقای کیفیت ظرفیت سیاست مملی علم ایران». سیاست علم و فناوری، ش 2 (1): 16-1.
- سلیمان‌پور، علی (1388). «علوم انسانی، مشکلات و موانع نظریه‌پردازی: با تأکید بر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل». علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ش 7: 141-118.
- سوزنچی، حسین (1388). معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- صادقی، فواد؛ مریم جمشیدی و عمار کلاتری (1391). «چالش نظریه‌پردازی و علم‌افزایی در تولیدات علمی ایران». فلسفه علم، ش 2 (2): 73-51.
- عیوضی، محمدرحیم (1385). «تحلیلی بر ایده ضرورت تولید علم و دانش در ایران اسلامی». دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش 71: 186-163.
- فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله؛ حسین کریمیان و منصوره ملکی‌توانا (1392). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده مؤثر بر کرسی‌های نظریه‌پردازی بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش 17 (3): 470-448.
- کافی، مجید (1393). وضعیت‌سنجی دوره‌های معرفت‌افزایی (در تکرش اعضای هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- گال، مردیت؛ والتر بورگ و جویس گال (1392). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (ج 2). ترجمه احمدرضا نصر و همکاران. تهران: سمت، ج ششم.
- مختاری، مریم؛ محمد کویایی، فاطمه جاویدی و بتول صیفوری طغرالجردی (1390). «مکان گفت‌وگو بومی‌سازی یا اسلامی‌سازی در ساحت جهانی شدن دنیای امروز». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش 4: 26-42.
- مقام معظم رهبری (1385/7/13). «بیانات در دیدار استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه». پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. بازیابی <http://www.leader.ir/langs/fa:1394/7/1>.
- میرزایی رافع، مه‌ری (1390). موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضا هیئت علمی رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- میرفردی، اصغر (1394). «چالش‌ها و فرصت‌های تولید علم و نظریه‌پردازی در حوزه علمی جامعه‌شناسی در ایران». *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ش 3 (9): 1.
- یوسف‌زاده، محمدرضا و مه‌ری میرزایی رافع (1392). «بررسی موانع معرفت‌شناسی نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیات علمی». *پژوهش علوم انسانی*، ش 14 (33): 105-115.
- Bagheri, Khosro (2008). **The Nature of Religious Science an Epistemological View on the Relationship between Religion and Human Science**. Tehran: samt.
- Bostan, Hossein (2005). **A Step towards Religious Science**. Qom: Islamic Seminary and University Institute.
- Creswell, J.W. & D.L. Miller (2000). “**Determining Validity in Qualitative Inquiry**”. *Theory into Practice*, 39, 3: 124-130.
- Guba, E. & Y. Lincoln (1994). “**Competing Paradigms in Qualitative Research**”. In N.K. Denzin & Y.S. Lincoln (Eds.). *Handbook of Qualitative Research* (P. 105-117). London: sage.
- Danae fard, Hassan (2009). “**An Analysis of Barriers to Knowledge Generation in Field of the Humanities: Some Recommendations for Promoting the Capacity of Iranian Science Policy**”. *Journal of Science and Technology Policy*, 2(1): 1-16.
- Eyvazi, Mohamadrahim (2006). “**Analysis of the Idea of the Necessity of the Production of Knowledge in Islamic Iran**”. *Faculty of Law and Political Science*, 71: 163-186.
- Fazlelahi Ghomshi, Seyfolahl; Hosein Karimian & Mansoore Maleki Tavana (2013). “**Analyzing the Barriers in Developing Free Speech Tables Based on University Scientific Members Views**”. *Journal of the knowledge Studies in the Islamic University*, 17(3): 448-470.

45 ❖ نیازسنجی رئوس مطالب برنامه‌درسی دوره‌های تکمیلی علوم انسانی اسلامی ...

- Gall, Meredith; Walter Borg & Joyce Gall (2013). **Qualitative and Quantitative Research Methods in Psychology**. Translators Ahmad Reza Nasr and Colleagues. Vol 2. 6th ed. Tehran: samt.
- Kafi, Majid (2014). **Attitudes of Academic Staff of Higher Education Institutions to Empowerment Courses**. Qom: Islamic Seminary and University Institute.
- Khosrooanah, Abdolhosseyn (2014). **In Search of Islamic Human Sciences, Analysis Theories of Religious Science and Test of Hekmi-Reasoning Model in Production Islamic Human Sciences**, Vol 1. Representative of the Supreme Leader Institution in Universities and Publication Office of Maaref.
- Mirfardi, Asghar (2015). **“An Analysis on Challenges and Opportunities of Science Production and Theorizing in Sociology in Iran”**. *Journal of Macro and Strategic Policies*, 3(9): 1.
- Mirzaee rafe, Mehri (2011). **Barriers Theory in the Humanities from the Perspective of Bu-Ali Sina University Faculty Members**. Master's Thesis. Hamedan: University of Bu-Ali Sina.
- Mokhtari, Maryam; Mohamad Kopae, Fateme Javidi & Batool Seifouri (2011). **“Localization or Islamicization Discourse in Today's World Globalization”**. *Journal of the Knowledge Studies in the Islamic University*, 15 (4): 26-42.
- Pakseresht, Mohamadjarfar (2007). **“Educational Theories and Theory-Making Challenges in Iranian Education System”**. *Educational Innovations*, 6 (2): 125-148.
- Pourezat, Ali Asghar; Parisa Rezaeei & Hamid Reza Yazdani (2009). **“Survey of Theory-building Barriers in Social Sciences Area”**. *Business Management*, 1(2): 47-62.
- Sadeghi, Foad; Maryam Jamshidi & Amar Kalantari (2012). **“Challenges of Theorization and Development in Iran's Scientific Products”**. *Philosophy of Science*, 2 (2): 51-73.
- Shenton, A. (2004). **“Strategies for Ensuring Trustworthiness in Qualitative Research Projects”**. *Education for Information Number*, 22 (2): 63-75.
- Soleimanpour, Ali (2009). **“Humanities, Problems and Barriers Theorizing: With an Emphasis on Political Science and International Relations”**. *Journal of Political Science and International Relations*, 7: 118-141.

- Souzanchi, Hosein (2009). **Meaning, the Possibility and Ways of Providing Religious Knowledge**. Tehran: Social and Cultural Studies Institute of the Ministry of Science, Research and Technology.
- Supreme Leader (October/05/2006). **“Remarks in a Meeting with Professors and Faculty Members”**. The Supreme Leader's Office of website. Retrieved mehr 1 1394, from <http://www.leader.ir/langs/fa>.
- Yosefzade, Mohamadreza & Mehri Mirzaee Refe (2013). **“A Study of Epistimological Obstacles of Theory Making in Humanities”**. *Research Journal in Humanities*, 14 (33): 105-115.

